

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی- استرالیا
۱۳ سپتمبر ۲۰۲۱



داکتر محمد کریم فارغی

امیر بی وطن، خوار و حقیر است گدا گر در وطن بمیرد، امیر است

هموطنان عزیزم، درین شب و روز ها یکبار دیگر فضای سرد و حکم جانکاه غربت گزینی و ترک دیار عزیز، مانند سالهای تسلط دژخیمان بی خدا و گمراه، و پیشگامان لشکر الحاد، بر وجود ها جاری گشته است. در هر خانواده به جای سخنان امید بخش و ساختن زندگی، تربیت کودکان و موفقیت شان در مکتب و جامعه، آشفستگی و کشمکش ها بر سر ترک خانه و کاشانه، تهیه پول مصارف سفر، بد منظر ساختن خانه ها به نسبت فروش اثاثه و فرنیچر، مسلط گردیده است. زندگی مردم شریف ما در گوشه گوشه وطن که می رفت ثبات و استحکام بیابد، یکبار دیگر دستخوش حوادث جانکاه و بی باوری نسبت به زندگی شده است. امید ها برای بهتر شدن و ماندن به یأس و نومیدی مبدل گشته است. جوانان ما دیگر به فردای تابناک شان نمی اندیشند و سالمندان ما سخت دل شکسته گشته اند. باید بپرسیم چرا و چگونه این فضاء مسلط گشته است؟ حال که دیگر ترس و تهدید از جانب لشکریان غاصب و اشغالگر عملاً رفع گردیده است، پس کی ها عامل این فضای وحشت و یأس اند؟ اینها چه فرمانی را و از کجا آن را با خود آورده اند؟

من در مورد این پرسش ها در طی قریب چهار هفته گذشته با خودم اندیشیده ام من خود را در وطن آزردہ از جفای فرزندان ناخلفش و در بین فامیل های مضطرب و هراسان حاضر دانسته و برای یافتن راه حلی فکر کرده ام. به پروردگارم که مالک دلهاست سوگند یاد می کنم که این همه یأس و نومیدی در نفس ها در اثر وابستگی بیش از حد و اعتیاد به لشکریان ابلیس، دور شدن از حقیقت و خود اعتمادی بوده است. ملت تربیه معنوی و تقویت روحانی را در

پهلوی تحصیل و تعلیم فراموش کرده بودند. وابستگی به مادیات و مصروفیت های تولید مادی جایگاه محبت و پیوند های انسانی را به طور کاذب پر نموده بود. جامعه متن فرهنگی و معنوی سنتی خود را با فرهنگ وارداتی استعماری تعویض کرده بود. ملت با فرهنگ استعماریون که در آن ظواهر فریبنده بر حقیقت زندگی رجحان دارد، آراسته گردیده بود، از آن سبب بود که وقتی این وابستگی به طور آنی قطع گردید، خلأ در عواطف و تفکر آدمین به وجود آمد.

جدا از جنگ فعلی در گوشه ای از وطن که قلبهای انسانهای با وجدان جامعه ما را داغدار نموده است، من حیث یک افغان و یک مسلمان دلایل کافی برای آرامش و امید برای فردا باید داشته باشیم. وطن در دستان خود ما قرار دارد این که چگونه به آن می اندیشیم و چگونه آبادش می کنیم، خود باید تصمیم بگیریم. مشکلی در ذهنیت ها در مورد پذیرش طالب داریم. این ذهنیت با ذهنیت بیگانه پذیری دیروز ما بستگی دارد. وابستگی به میدیا و آنچه درخورد ما می دهند عامل دیگر ناآرامی های ما است.

به خانواده ها و هموطنانم سوگند می دهم که فکر ترک وطن را من حیث راه حل مشکلات شان ندانند. ترک وطن به خاطر اشغال آن توسط روسها و امریکائیان تا حدی توجیه پذیر بود ولی ترک وطن همراه با لشکر اشغالگران، جفا به خود و وطن خواهد بود.

این چند سخن را فقط من حیث یک فرد عادی و بدون وابستگی به کدام سمت و سوی سیاسی با هموطنان و دوستان خود مطرح کردم. پذیرش و یا تردید آن به اختیار خود تان است.

من هفده سال قبل وطن را به خاطر اشغال آن ترک کردم ولی حال هر وقتی به فکر عودت به وطن می شوم، برایم آرامش و اطمینان قلبی حاصل می گردد، لذا از پروردگارم استدعا دارم آنچه در آن خیر است نصیب کند....